

شیر بزرگ شرق

نیلوفر سیاوشی

نهضت ملی ایران در
ادامه انقلاب
مشروطیت گام
دیگری در جهت
احیای حق حاکمیت
ملت در تعیین
سر نوشت خویشتن
و تحدید اختیارات و
قدرت حاکمان بود

در آستانه پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قرار داریم. آنچه ما را بر آن می‌دارد تا هرساله به دوران حکومت دکتر محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد که منجر به برکناری مصدق، دستگیری و اعدام بسیاری از ایرانیان، فعالان و هواداران دولت وی و نهضت ملی ایران و همچنین ظهور مجدد دیکتاتوری در ایران شد نگاهی بیفکنیم، این موضوع است که علی‌رغم گذشت سال‌ها از شکست ظاهری آن، این جنبش اثرات گسترده‌ای را در اقتصاد و سیاست و تاریخ ایران برجای گذاشته و پس از گذشت نیم قرن، همچنان درس‌هایی را به ما می‌آموزد. نهضت ملی ایران در ادامه انقلاب مشروطیت گام دیگری در جهت احیای حق حاکمیت ملت در تعیین سر نوشت خویشتن و تحدید اختیارات و قدرت حاکمان بود. دکتر مصدق در این راستا توانست پیوندی مجدد میان دولت و ملت برقرار کند و رابطه مردم و حاکمان را از رابطه‌ای

یک‌سویه و یک‌طرفه و از بالا به پایین، به تعاملی دوجانبه و دوطرفه تبدیل کرد. مرحوم مهندس بازرگان در این باره گفته است: "ما مصدق را به عنوان یگانه رئیس دولتی که در طول تاریخ ایران، محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های ملت برداشته و توانست پیوند بین دولت و ملت برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهماند و به بزرگ‌ترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار نایل گردید، تجلیل می‌کنیم."^(۱)

دکتر مصدق به تمام وجوه و ارکان دموکراسی پایبند بود و با این که به ناروا از سوی مطبوعات مخالف آن دوران مورد تهاجم و تهمت قرار می‌گرفت، اما هیچ‌گاه روزنامه‌ای را به جهت توهین به شخص خود مورد تعقیب و توقیف قرار نداد. مخالفان دکتر مصدق به مصدق حمله می‌کردند که چرا جراید علیه آنها مطلب می‌نویسد و دکتر مصدق جلوگیری نمی‌نماید. از جمله "جمال امامی" در جلسه ۲۰۶ مجلس روز یکشنبه ۳ آذرماه ۱۳۳۰ می‌گوید: "ما وقتی به این مجلس می‌آیم در زمان حکومت جناب آقای دکتر مصدق پیشوای آزادی خواهان تأمین جانی نداریم... به جهت این که رادیوی شما علناً به ما فحش می‌دهد... و روزنامه‌هایی که طرفدار شما هستند می‌نویسند: مهدورالدم هستند..." اما دکتر مصدق در همان جلسه مجلس جواب می‌دهد که روزنامه‌هایی نیز هستند که به دولت حمله می‌کنند، فحش می‌دهند، بد می‌نویسند، اما نباید جلوی آنها گرفته شود. باید آزاد باشند هر چه می‌خواهند بنویسند."^(۲)

اصل آزادی مطبوعات، همچون اصول دیگر دموکراسی در اندیشه مصدق از اصولی بود که در هیچ شرایطی قابل اغماض و تعطیل بردار نبود. "این روش برخورد با روزنامه‌های مخالف را دکتر مصدق تا پایان دوره ۲۸ ماهه زمامداری خود و کودتای ۲۸ مرداد ادامه داد و هیچ عاملی نتوانست وی را از این کار منصرف کند و به قول دکتر علی شریعتی مردی که هفتادسال برای آزادی نالیده بود، همچنان مدافع آزادی ماند. انواع و اقسام فحش‌ها، اهانت‌ها را به جان خرید ولی مانع آزادی افراد و بستن مطبوعات نشد."^(۳) مصدق از هیچ‌یک از فشارهایی که از سوی مطبوعات مخالف و دشمنان به وی وارد می‌شد، هراسی نداشت و خود را برای تمام توطئه‌چینی‌ها آماده کرده بود. شهید دکتر سیدحسین فاطمی، پس از کودتای ۲۸ مرداد و قبل از شهادت در بخشی از سخنان خود به آزموده و افسران در حمایت از دکتر مصدق چنین می‌گوید: "رهبر بزرگ ما هفتادسال سابقه شرافت و تقوا و وطن پرستی و جهاد و مبارزه با قلدران و زورگویان داخلی و خارجی دارد. او در راه نجات ایران از همه چیز صرف نظر کرده و حاضر است تا آخرین قطره خون خود را برای ایران بدهد."^(۴)



اصل آزادی
مطبوعات، همچون
اصول دیگر
دموکراسی در
اندیشه مصدق از
اصولی بود که در
هیچ شرایطی قابل
انحطاط و
تعطیل بردار نبود.
این روش بر خورد
با رورنامه‌های
مخالف را
دکتر مصدق تا پایان
دوره ۲۸ ماهه
زمانداری خود و
کودتای ۲۸ مرداد
ادامه داد و هیچ
عاملی نتوانست وی
را از این کار
منصرف کند و
به قول دکتر علی
شریعی مردی که
هفتاد سال برای
آزادی نالیده بود،
همچنان مدافع
آزادی ماند. انواع و
انقسام فحش‌ها،
اهانت‌ها را به جان
خرید ولی مانع
آزادی افراد و بستن
مطبوعات نشد.

نهضت ملی ایران و جنبشی که دکتر مصدق در جهت کوتاه نمودن دست استعمار از سرمایه‌ها و منابع ایران ایجاد کرد، الگویی برای جنبش‌های ملی و حرکت‌های ضد استعماری در خاورمیانه و سایر کشورهای جهان سوم شد. اصلاحات و اثرات مثبت دولت دکتر مصدق، عمری بسیار طولانی‌تر از دولت ۲۸ ماهه وی داشته است. اثرات مثبت و اصلاحاتی که علاوه بر این که خود و امثال نهضت‌های اصلاح طلبانه پیش از خود (انقلاب مشروطیت) بود، بر بسیاری از انقلاب‌ها و اصلاحات آزادی خواهانه و استقلال طلبانه پس از خود نیز الهام بخش و تأثیر گذار بوده است. با این وجود دکتر مصدق از مصائب و مشکلاتی که در این راه متوجه خود وی، دولت و همکارانش و همچنین مردم و هواداران جنبش می‌شد، آگاهی داشت و به خوبی می‌دانست که دربار و استعمار در برابر این وقایع و اتفاقات ساکت نخواهند ماند و همواره اذعان می‌کرد که دولت و مردم مبارزه بزرگی را آغاز کرده‌اند که بدون تحمّل سختی‌ها قادر نخواهند بود در این مبارزه به پیروزی برسند: «امروز، مبارزه بزرگی را ملت ما شروع کرده است که هیچ کس از این غافل نیست، البته در این گونه جنبش‌های اجتماعی باید در مقابل هر گونه محرومیت ایستادگی کرد و در برابر آن آماده بود. هیچ مبارزهای هر قدر کوچک و ناچیز باشد به آسانی به نتیجه نمی‌رسد. تاریخ تبریم گنج میسر نمی‌شود. در این راه نیز سعی ناکرده به جایی نمی‌توان رسید.»^(۵)

آیت‌الله طالقانی در سخنرانی خویش در احمدآباد در این زمینه گفت: «نام و راه و روش دکتر مصدق، مجموعه‌ای است از مبارزه بیش از نیم قرن ملت ایران. دکتر مصدق در پی نهضت‌های پیش از خود و ادامه نهضت‌های پس از وفاتش حلقه‌ای و واسطه‌ای بود برای ادامه نهضت مردم ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار و استثمار. این نام و این مزار همیشه مورد توجه مردم ایران و دنیای آزاد و آزادی خواه بوده است و خواهد بود.»^(۶)

مصدق در قبول پست نخست‌وزیری به دنبال کسب ثروت و قدرت نبود. وی هدفی جز اعتلای ایران در سطح داخلی و خارجی نداشت: «من مأموریت موکلین خود را قبول نکردم و به این مجلس پا نگذاشتم. مگر برای یک مبارزه مقدس و آن برای نیل به یک مقصود عالی است. در سیاست داخلی، برقراری اصل مشروطیت و آزادی و در سیاست خارجی، تعقیب از سیاست موازنه منفی. این هدف من بوده و هست و خواهد بود و تا بتوانم برای رسیدن به آن مجاهدت خواهم کرد.»^(۷) به همین جهت بسیاری از کسانی که برای کسب قدرت و ثروت با جنبش و نهضتی که مصدق آغاز کرده بود همراه شده بودند، بعد از ناکامی در رسیدن به اهداف خود با دشمنان داخلی، دربار و استعمارگران خارجی همراه شدند و ناجوانمردانه ضربه‌هایی سخت به نهال نوپای نهضت ملی وارد آوردند، اما مصدق هیچ‌گاه از این توطئه‌ها، دشمنی‌ها و خیانت‌ها نهراسید و با پشتوانه مردمی به مسیر مورد نظر خویش که همان رهایی ایران از چنگال استبداد داخلی و استعمار خارجی بود ادامه داد. وی به این موضوع ایمان داشت که تا هنگامی که مردم مایل به حضور وی می‌باشند و به راهی که او در نظر گرفته تمایل و اعتماد دارند، راه و اندیشه‌اش بر پایه‌های استواری قرار دارد که هیچ قدرت استعماری و توطئه خارجی یا داخلی نمی‌تواند به آن گزند برساند و این مسئله به نیکی در تاریخ به اثبات رسید، اگرچه توطئه و دشمنی‌های فراوان توانست مصدق و حکومتش را برکنار کند، اما راهی که مصدق آغاز کرد راهی نبود که بتوان آن را متوقف کرد و اندیشه و تفکر وی اندیشه‌ای بود که همواره در مصلحان دیگر احیاشدنی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برگرفته از شعر حمید مصدق
- ۱- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بسته‌نگار، انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صص ۱۱-۱۰.
- ۲- همان، ص ۲۶.
- ۳- همان، ص ۲۶.
- ۴- همان، ص ۱۰۵.
- ۵- مردی برای تمام تاریخ، علی‌رضا افشاری، انتشارات مرسا، ۱۳۷۹، ص ۵۲.
- ۶- مصدق و حاکمیت ملت، پیشین، ص ۲۶۴.
- ۷- مردی برای تمام تاریخ، پیشین، ص ۱۶.

